

رویکردهای میان‌رشته‌ای و طراحی برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی^۱

حسین میسمی^۲

دانشجوی دکترای رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع) و پژوهشگر گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا.

محسن عبدالهی^۳

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق(ع)

مصطفی شهیدی نسب^۴

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق(ع)

مهدی قائمی اصل^۵

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع)

چکیده

این تحقیق الگوها و انواع مختلف برنامه درسی تلفیقی را مورد بررسی قرار داده و تناسب آنها را در رشته اقتصاد و مالیه اسلامی مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع به این سوال پاسخ می‌دهد که اگر رشته اقتصاد و مالیه اسلامی به‌عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای در علوم انسانی-اسلامی بخواهد تشکیل شود، از کدامیک از رویکردهای مطرح می‌تواند استفاده کند و ظرفیت هر یک از رویکردهای میان‌رشته‌ای در این رابطه چه میزان است؟ ضمن ارائه دو اصل «ارتباط حداکثری» و «بهره‌برداری حداکثری»، نشان می‌دهد که رویکرد مناسب برای دوره اقتصاد و مالیه اسلامی رویکردی محتوا محور است و از گونه‌های مطرح شده نیز، رویکردهای درون‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای موازی در شرایط موجود مناسب نبوده و توانایی تامین اصول مطرح شده را ندارند؛ رویکردهای چندرشته‌ای، متقاطع، متکثر و همچنین فرارشته‌ای و پساارستگی نیز گرچه از دو رویکرد قبلی متناسب‌تر می‌باشند، اما در شرایط موجود استفاده از آنها با توجه به نقاط ضعفی که دارند پیشنهاد نمی‌شود. در نهایت به نظر می‌رسد ظرفیت و کارایی رویکرد بین‌رشته‌ای از بقیه رویکردها بیشتر بوده و برنامه‌ریز رشته اقتصاد و مالیه اسلامی می‌تواند در تدوین برنامه درسی دوره از آن بهره‌برد. به هر حال در عمل می‌توان از رویکرد بین‌رشته‌ای به‌عنوان رویکرد اصیل و مبنایی بهره‌برد و در کنار آن از نقاط قوت موجود در سایر رویکردها نیز به‌منظور تقویت برنامه درسی استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: علوم انسانی-اسلامی، میان‌رشته‌ای، اقتصاد و مالیه اسلامی، آموزش اقتصاد، ایران.

۱. لازم به ذکر است این تحقیق از حمایت‌های مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور برخوردار بوده است.

2. meisami@isu.ac.ir

3. m.abdolahy@isu.ac.ir

4. shahedinasab@isu.ac.ir

5. ghaemiasl@isu.ac.ir

نظام آموزش در حوزه‌های مختلف علوم انسانی به‌طور عام و در رشته اقتصاد به‌طور خاص وظیفه تربیت پژوهشگران و اقتصاددانان را بر عهده داشته و در عین حال از نتیجه عملکرد آنها به‌منظور تقویت خود بهره می‌برد و هر چه این نظام قوی‌تر باشد، تولید علم، نظریه‌پردازی، بسط نظری و بومی‌سازی سریعتر اتفاق می‌افتد (درخشان، ۱۳۸۱: ص ۳). از طرفی بدیهی است که یکی از راه‌های توسعه هر رشته‌ای از دانش در علوم انسانی-اسلامی، بررسی آموزش‌هایی است که در آن حوزه انجام می‌شود. اقتصاد و مالیه اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست فلذا نمی‌توان به توسعه این رشته امید داشت، و در عین حال به آموزش‌های مورد نیاز در حوزه‌های مفهومی و کاربردی اقتصاد و مالیه اسلامی بی‌توجه بود. از این رو بررسی نظام آموزش علم اقتصاد، به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای توسعه رشته اقتصاد و مالیه اسلامی مطرح می‌باشد. اما ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که در ساختار فعلی رشته اقتصاد دروس اقتصاد متعارف بدون هیچ تغییر اساسی و با ترجمه کتب متعارف اقتصاد آموزش داده می‌شود و مباحث مرتبط با اقتصاد و مالیه اسلامی در قالب چند واحد درسی محدود و به‌طور کاملاً مستقل از دروس متعارف به واحدهای درسی دانشجویان اضافه گردیده است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲-۸).

تجربه سه دهه اخیر در حوزه آموزش اقتصاد در ایران نشان می‌دهد که این رویکرد در حوزه آموزش اقتصاد با مشکلاتی جدی مواجه شده است (پوریزدان‌پرست، ۱۳۸۳: صص ۲۵-۲۷؛ دادگر، ۱۳۸۴: صص ۱-۵؛ کریمی، ۱۳۸۳: صص ۲-۶). در واقع این رویکرد ترجمه‌محور، نتوانسته است دانشجویانی متفکر، خلاق و نقاد تربیت کند؛ به نحوی که بتوانند آموزه‌های علم اقتصاد را با توجه به مبانی اسلامی نقد کرده، در جهت بومی و اسلامی سازی آن حرکت کنند. از این رو باید اذعان نمود که نظام فعلی آموزش اقتصاد در ایران، توانایی آن را ندارد که ضمن ارائه مباحث از دیدگاه متعارف و اسلامی، در ذهن دانشجویان (در حوزه اقتصاد اسلامی) طرح سوال کرده، زمینه انجام تحقیق در این حوزه را فراهم آورد. فلذا اصلاح برنامه درسی رشته اقتصاد، و همچنین سایر رشته‌های علوم انسانی ضروری به نظر می‌رسد. اما موضوع برنامه درسی و نحوه اصلاح و تقویت آن موضوعی تخصصی می‌باشد که در رشته علوم

۱. در رابطه با اصلاح وضع موجود نظام آموزش علوم انسانی-اسلامی و ضرورت آن، می‌توان به فرمایشات رهبر معظم انقلاب مراجعه کرد. ایشان اهمیت این موضوع را در مناسبت‌های مختلف و به طرق گوناگون مطرح ساخته‌اند. خواننده می‌تواند به‌منظور دریافت متن برخی از فرمایشات ایشان در این زمینه به سایت www.khamenei.ir مراجعه کرده و سخنرانی‌های ایشان در مناسبت‌های ذیل را دریافت کند: بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر (۱۳۷۹/۱۲/۹)، در دیدار اساتید دانشگاه‌های سراسر کشور (۱۳۸۲/۷/۸)، در دیدار اعضای هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی (۱۳۸۳/۴/۱)، در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها (۱۳۸۳/۱۰/۱۷)، در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) (۱۳۸۴/۱۰/۲۹)، در دیدار اعضای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی (۱۳۸۵/۱۱/۲)، و در دیدار اساتید دانشگاه‌ها (۱۳۸۷/۶/۸).



تربیتی مورد بحث قرار می‌گیرد. بنابراین به منظور اصلاح برنامه درسی رشته اقتصاد از دیدگاه اسلامی به ناچار باید به ادبیات رشته علوم تربیتی مراجعه کرد.

جستاری در ادبیات مذکور نشان می‌دهد در چند دهه اخیر مباحثی تحت عنوان «رویکردهای میان‌رشته‌ای» مطرح شده‌اند و به دلیل آنکه علوم انسانی-اسلامی و به‌طور خاص اقتصاد و مالیه اسلامی بر اساس تعریف، گفتمانی بین دو حوزه تعالیم اسلامی و مباحث اقتصادی است، فلذا به نظر می‌رسد رویکردهای مذکور تناسب و ظرفیت مناسبی برای اصلاح سرفصل‌های علوم انسانی از دیدگاه اسلامی در اختیار دارند که لازم است به آنها توجه شود. به عبارت دیگر برنامه‌ریز درسی در این حوزه لازم است ضمن آشنایی با ادبیات میان‌رشته‌گی و شناخت انواع و گونه‌های مختلفی که در این حوزه مطرح می‌شوند، رویکرد بهینه و کارایی را برای اصلاح سرفصل‌های دروس متعارف انتخاب کرده و در جهت ایجاد رشته‌هایی اسلامی در علوم انسانی، از جمله «رشته اقتصاد و مالیه اسلامی» حرکت کند.

این مقاله الگوها و انواع مختلف برنامه درسی تلفیقی را مورد بررسی قرار داده و همچنین میزان تناسب آنها را در رشته اقتصاد و مالیه اسلامی به‌عنوان یک رشته جدید در نظام آموزش دانشگاهی ایران مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع ضمن تبیین رویکردهای میان‌رشته‌ای به این سوالات مهم پاسخ می‌دهد که اگر رشته اقتصاد و مالیه اسلامی به‌عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای در علوم انسانی-اسلامی بخواهد تشکیل شود، از کدامیک از رویکردهای مطرح می‌تواند استفاده کند؟ توانایی و ظرفیت هر یک از رویکردها در این زمینه چقدر است؟ و کدامیک از رویکردها در این حوزه قابلیت استفاده نداشته و یا استفاده از آنها در شرایط موجود توصیه نمی‌شود؟ شاخص تبیین تناسب و کشف رویکرد بهینه در ارائه برنامه رشته اقتصاد و مالیه اسلامی کدام است؟ به عبارت دیگر، برنامه‌ریز این رشته بر چه اساس می‌تواند به تحلیل میزان مناسبت این رویکردها پرداخته و در بین رویکردهای مطرح شده دست به انتخاب بزند؟ و به‌طور مشخص، چه مولفه‌ها و شاخص‌هایی برای تبیین تناسب رویکرد مطرح شده برای رشته اقتصاد و مالیه اسلامی و همچنین انتخاب بهترین مورد در میان رویکردهای مطرح شده وجود دارد؟

ساختار مقاله بدین صورت است که پس از این مقدمه، سابقه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و نوآوری مقاله تبیین می‌شود. پس از آن معیارها و شاخص‌های ارزیابی رویکردهای میان‌رشته‌ای بیان می‌شود. در بخش بعد انواع رویکردهای میان‌رشته‌ای بیان شده و نقاط قوت و ضعف آنها و همچنین میزان مناسبت آنها در رشته اقتصاد و مالیه اسلامی بررسی می‌شود. بخش آخر مقاله نیز از مطالب نتیجه‌گیری کرده و توصیه‌هایی برای تحقیقات آینده در این حوزه ارائه می‌دهد.



بررسی ادبیات میان‌رشته‌ای و کاربرد آن در رشته‌های مختلف نشان می‌دهد در این حوزه تحقیقات زیادی انجام نشده است و مقالات و کتب محدودی نیز که در این حوزه نوشته شده‌اند، بیشتر در کلیات روش میان‌رشته‌ای متوقف گردیده‌اند و کاربرد مباحث در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد و مالیه اسلامی را مطرح نکرده‌اند. به هر حال در ذیل به برخی از معدود مقالاتی که در حوزه میان‌رشته‌ای در اقتصاد و مالیه اسلامی تدوین شده‌اند اشاره می‌شود.

پیغامی ضمن معرفی برخی رهیافت‌های میان‌رشته‌ای و با طراحی نمونه‌هایی خاص، امکان عملی استفاده از رهیافت‌های تلفیقی در برنامه‌های درسی و گرایش‌های مقاطع تکمیلی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی را نشان می‌دهد. در این مقاله پس از بیان هر یک از رویکردهای میان‌رشته‌ای مثال‌هایی خاص از کاربرد هر رویکرد در اقتصاد و مالیه اسلامی ارائه می‌شود (پیغامی، ۱۳۸۷). اما میسمی و عیوضلو ضمن بررسی مبانی نظری و فلسفی، دو دیدگاه حداقلی و حداکثری به اقتصاد و مالیه اسلامی را مورد بحث قرار داده و نشان می‌دهند، وضع موجود در حوزه آموزش اقتصاد و محدود ساختن اقتصاد و مالیه اسلامی به چند واحد درسی محدود، حاصل اتخاذ دیدگاهی حداقلی به اقتصاد و مالیه اسلامی است و اگر بخواهیم از دیدگاهی حداکثری در این زمینه بهره ببریم، ناچار به استفاده از رویکردهای میان‌رشته‌ای می‌باشیم (میسمی و عیوضلو، ۱۳۸۸).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در ادبیات مختصر موجود ظاهراً بحثی در رابطه با میزان توانایی هر یک از رویکردها به‌منظور استفاده در رشته اقتصاد و مالیه اسلامی انجام نشده است. همچنین کشف رویکرد بهینه در حوزه اقتصاد و مالیه اسلامی نیز در مرکز توجه تحقیقات نبوده است فلذا از این جهت نیز مقاله دارای نوآوری و ارزش افزوده می‌باشد.

۱. معیارهای کشف رویکرد بهینه در تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی

پیش از آنکه به ارزیابی انواع رویکردهای میان‌رشته‌ای، بررسی نقاط قوت و ضعف آنها، تبیین میزان تناسب آنها در اصلاح سر فصل‌های رشته اقتصاد از دیدگاه اسلامی و در نهایت کشف رویکرد میان‌رشته‌ای بهینه در تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی بپردازیم، لازم است ابتدا به این سؤال مهم پاسخ دهیم که ابزار تبیین تناسب و کشف رویکرد بهینه در ارائه برنامه رشته اقتصاد و مالیه اسلامی کدام است؟ به عبارت دیگر، برنامه‌ریز این رشته بر چه اساس می‌تواند به تحلیل میزان مناسبت این رویکردها پرداخته و در بین رویکردهای مطرح شده دست به انتخاب رویکرد بهینه بزند؟ شاخص‌های مورد استفاده کدامند؟ گرچه می‌توان معیارها و



شاخص‌های گوناگونی را در این رابطه ارائه داد، اما در این قسمت به ارائه سه مورد از مهم‌ترین «معیارهای انتخاب» بسنده می‌شود. در ذیل به توضیح این معیارها می‌پردازیم.

۱-۱. اصل ارتباط حداکثری

این اصل به این معناست که لازم است رویکردی که برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی بر اساس آن تدوین می‌شود، رویکردی باشد که حداکثر ارتباط و تلفیق را (به لحاظ کیفیت) با توجه به شرایط، امکانات و چالش‌های موجود، بین دو حوزه معرفتی معارف اسلامی و اقتصاد متعارف ایجاد کند. در توضیح بیشتر می‌توان گفت بررسی برنامه موجود رشته اقتصاد در ایران (همان‌طور که در فصل دوم مشخص گردید) نشان می‌دهد که در این برنامه ارتباطی حداقلی بین تعالیم اسلامی و علم اقتصاد متعارف برقرار می‌باشد. در واقع تحقیقات نشان می‌دهد که در این برنامه میزان تجلی و ارائه مباحث اسلامی در برنامه درسی رشته اقتصاد به چند درس خاص محدود شده و همین دروس محدود نیز در موارد متعدد مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد. (میسسی و عیوضلو، ۱۳۸۸، صص ۲-۵؛ پوریزدان‌پرست، ۱۳۸۳: صص ۲۵-۲۷؛ دادگر، ۱۳۸۴: صص ۱-۵؛ کریمی، ۱۳۸۳: صص ۲-۶) بنابراین یکی از معیارهای اصلی انتخاب رویکرد تلفیقی بهینه در طراحی برنامه درسی رشته اقتصاد اسلامی باید این باشد که رویکرد مطلوب حداکثر ارتباط کیفی را بین تعالیم اسلامی و اقتصادی فراهم آورد. به عبارت دیگر لازم است سرفصل‌های اقتصادی موجود از دیدگاه اسلامی تعدیل و اصلاح شوند و یا سرفصل‌هایی جدید پیشنهاد گردد؛ اما در هر دو مورد باید کیفیت ارتباط در سطح مناسبی باشد و از ایجاد ارتباطات سطحی و روبنایی خودداری شود!

۱-۲. اصل اصلاح حداکثری

اصل اصلاح حداکثری بدین معناست که لازم است رویکرد مطلوب برای اصلاح برنامه درسی رشته اقتصاد، توانایی آن را داشته باشد که حداکثر اصلاحات ممکن را (به لحاظ کمی) در برنامه درسی رشته اقتصاد در جهت وارد نمودن تعالیم اسلامی در آن اعمال کند. به عبارت دیگر، رویکرد مطلوب آن است که بتواند حجم بیشتری از سرفصل‌های مطرح شده در دروس مختلف رشته اقتصاد را از دیدگاه اسلامی مورد اصلاح قرار دهد و یا اینکه سرفصل‌های جدید بیشتری را ارائه کند.

۱. لازم به ذکر است اصل حداکثر ارتباط کیفی بین سرفصل‌های متعارف رشته اقتصاد و معارف اسلامی مرتبط، تنها کنار هم قرار دادن مباحث اسلامی و متعارف نیست، بلکه منظور آن است که در موضوعات مختلف دروس رشته اقتصاد، ارتباطی وثیقی بین مباحث اسلامی و متعارف ایجاد گردد که این خود می‌تواند به اصلاح سرفصل‌های موجود و یا طرح سرفصل‌های جدید بیانجامد. واضح است که ماهیت و نوع ارتباط کیفی در دروس مختلف متفاوت است. مثلاً در درس اقتصاد خرد با توجه به صبغه فلسفی و روش‌شناختی مباحث (مثلاً تعریف انسان، اهداف اقتصادی انسان، اصل محدودیت منابع و غیره)، ارتباط کیفی که در این اصل مطرح می‌شود، بیشتر رنگ و بوی فلسفی دارد و تلفیق در این زمینه با استفاده از فلسفه اسلامی (به‌عنوان یکی از حوزه‌های معارف اسلامی) انجام می‌شود. اما مثلاً در درس اقتصاد کلان و در نظریات مصرف، اصل حرمت اسراف و تبذیر در فقه‌الاعتقاد به‌منظور نقد و تعدیل فروض مطرح شده در نظریات متعارف مصرف، تجلی می‌یابد. به عبارت دیگر تلفیق در این زمینه با استفاده از فقه اسلامی (به‌عنوان یکی از حوزه‌های معارف اسلامی) انجام می‌شود. در سایر دروس رشته اقتصاد مثلاً اقتصاد توسعه و یا بخش عمومی نیز رویه به همین منوال است.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱-۳. اصل بهره‌برداری حداکثری

این اصل به این معناست که لازم است رویکرد مطلوب برای اصلاح برنامه درسی موجود رشته اقتصاد و یا تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد اسلامی، توانایی آن را داشته باشد که حداکثر بهره‌برداری و استفاده را از پژوهش‌ها و تحقیقات انجام شده در حوزه اقتصاد اسلامی انجام دهد. دلیل این امر آن است که در سه دهه اخیر و با آشکار شدن شکست‌ها و نقاط ضعف قابل توجه در مکاتب فکری سوسیالیسم و سرمایه‌داری، برخی جریان‌هایی فکری در سطح بین‌المللی به سمت نقد گفتمان غالب و در نتیجه ایجاد نحله‌های جدید و رقیب متمایل گردیدند و این باعث شد مکاتب فکری دگراندیش (مانند جریانات اقتصاد هترودوکس^۱) در حوزه اقتصاد و همچنین سایر حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی به مرور زمان به رشد قابل توجهی دست یابند. اقتصاد اسلامی نیز یکی از جریان‌هایی می‌باشد که در دوره اخیر رشد چشمگیری در فضای علمی ایران و جهان داشته است. به‌طور مثال در حوزه چاپ کتاب، بررسی منابع فارسی نشان می‌دهد که در حال حاضر در حدود ۱۲۵۰ کتاب در حوزه اقتصاد اسلامی نوشته شده است^۲. در سطح بین‌المللی نیز آمار کتاب‌های تدوین شده به زبان‌های عربی و انگلیسی از این رقم به مراتب بیشتر است^۳.

یکی دیگر از محمل‌های تولید علم در هر حوزه‌ای از دانش، کمیت و کیفیت نشریات علمی‌ای است که در آن حوزه مشغول به کار هستند. بررسی دقیق نشان می‌دهد که به لحاظ این مؤلفه نیز دانش اقتصاد اسلامی در وضعیت مناسبی قرار دارد. در حال حاضر و در داخل کشور، حداقل دو نشریه فارسی زبان به‌طور تخصصی در حوزه اقتصاد اسلامی فعال هستند^۴ و برخی نشریات نیز مباحث مرتبط با اقتصاد اسلامی را در اولویت‌های کاری خود قرار داده‌اند^۵. در سطح بین‌المللی نیز چندین نشریه به‌طور تخصصی در این حوزه مشغول به کار هستند و برخی تحقیقات نشان می‌دهد که در حال حاضر حداقل شش نشریه به‌طور مستقیم در حوزه اقتصاد اسلامی و در حدود بیست



فصلنامه علمی - پژوهشی

۳۶

دوره دوم
شماره ۳
تابستان ۱۳۸۹

1. Heterodox

۲. این عدد از طریق جستجوی عبارت «اقتصاد اسلامی» در فهرست کتب فارسی موجود در سایت کتابخانه ملی ایران به آدرس www.nlai.ir به دست آمده است. تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۸۹/۴/۲۹.

۳. به‌عنوان نمونه مؤسسه تحقیق و آموزش اسلامی (IRTI) در عربستان که تنها یکی از مؤسسات فعال در حوزه چاپ کتاب در اقتصاد و مالیه اسلامی در سطح بین‌المللی است، تا کنون به تنهایی در حدود ۴۰۰ عنوان کتاب را منتشر ساخته است. لازم به ذکر است اکثر این کتاب به صورت تمام متن و رایگان در سایت این مؤسسه قرار گرفته است. www.IRTI.org

۴. منظور، نشریه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی از انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و نشریه مطالعات اقتصاد اسلامی از انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) می‌باشد. خواننده برای دریافت اطلاعات بیشتر می‌تواند به سایت این نشریات مراجعه کند: www.magazines.ijct.ir/eghtesad و www.rcu.isu.ac.ir

۵. مثلاً نشریه جستارهای اقتصادی مباحث اقتصاد و مالیه اسلامی را در اولویت‌های خود قرار داده است www.rihu.ac.ir

نشریه علمی نیز به‌طور غیرمستقیم مقاله چاپ می‌کنند. (نزیم، ۲۰۰۴، صص ۱۴-۲۱) علاوه بر کتب و نشریات علمی، همایش‌ها و نشست‌های متعددی نیز در رابطه با اقتصاد اسلامی در ایران و سایر کشورها برگزار گردیده است که همراه پایان‌نامه‌های تدوین شده در این حوزه، همگی می‌توانند در صورت یافتن انسجام منطقی، دسته‌بندی و حذف مطالب نامناسب و تکراری به‌عنوان منابعی غنی برای اصلاح برنامه فعلی رشته اقتصاد و یا تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد اسلامی به کار روند. محور دیگر برای ارائه یک دوره آموزشی میان‌رشته‌ای مسئله استاد است. بررسی نشان می‌دهد که در حال حاضر در زمینه استاد نیز خلا شدید وجود ندارد^۲. مثلاً در حال حاضر بیش از صد استاد اقتصاد عضو انجمن اقتصاد اسلامی ایران بوده، در این زمینه تحقیقاتی انجام داده و به این حوزه علاقه‌مند هستند^۳. برنامه‌ریز نظام آموزش اقتصاد اسلامی می‌تواند با تدوین دوره‌های مشخص (به‌عنوان نمونه دوره‌های دانش‌افزایی) برای این اساتید علاقه‌مند، زمینه را برای ارائه صحیح برنامه درسی اقتصاد اسلامی فراهم آورد.

۲. دسته‌بندی‌های موجود در ادبیات تلفیقی و کاربرد آن در اقتصاد اسلامی

بررسی ادبیات میان‌رشته‌ای نشان می‌دهد که با توجه به تداوم رشد و روند گسترش میان‌رشته‌گی در ساختارهای مختلف علمی و اجتماعی، این گفتمان هم‌اکنون از گونه‌های مختلف و انواع متفاوتی از ساختارها برخوردار است. (خورسندی، ۱۳۸۷: ص ۶۷) در این قسمت از تحقیق، به ارائه رویکردهای میان‌رشته‌ای مختلف و بحث در مورد آنها می‌پردازیم. در رابطه با هر رویکرد ضمن معرفی اجمالی آن، نقاط قوت و ضعف را (در صورت امکان و ضرورت) مشخص کرده و در نهایت با استفاده از مؤلفه‌های به‌دست آمده از بخش قبل، میزان تناسب آن در تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی را مورد بحث قرار می‌دهیم.

به نظر می‌رسد می‌توان بخش عمده‌ای از رویکردهای میان‌رشته‌ای را در قالب نمودار شماره یک که می‌توان اسم آن را «هرم تلفیق و میان‌رشته‌گی» نهاد، جای داد^۴. هرم تلفیق شامل سطوح

1. Nazim

۲. لازم است خواننده به این نکته توجه کند که عدم وجود خلا هرگز به معنی کافی بودن نیست. بلکه منظور آن است که حداقل لازم برای ارائه دوره فراهم است؛ گرچه هنوز نیاز به‌طور کامل مرتفع نشده است.

۳. به‌منظور دریافت اطلاعات بیشتر در این زمینه، می‌توان به سایت انجمن اقتصاد اسلامی ایران به آدرس www.ieai.ir مراجعه کرد.

۴. لازم به ذکر است در ادبیات تلفیقی اختلافاتی بین صاحب‌نظران مشاهده می‌گردد و تعریف واحدی از رویکردهای مطرح شده وجود ندارد. بنابراین تعاریفی که در این مقاله ارائه می‌گردد تعاریف منتخب نویسنده است.



و گونه‌های مختلف میان‌رشته‌گی گردیده و به نظر می‌رسد نسبت به تقسیم‌بندی‌های موجود در ادبیات (خورسندی، ۱۳۸۷: صص ۶۷-۱۰۱؛ پیغامی، ۱۳۸۷: صص ۵-۷؛ فوگارتی^۱، ۱۹۹۱: صص ۱۰-۱۸؛ قورچیان، ۱۳۷۴: صص ۱۲-۱۸) وسعت و قوت بیشتری داشته باشد. به عبارت دیگر گونه‌های بیشتر و جدیدتری از میان‌رشته‌ای را در خود جای داده است فلذا از این جهت نیز تحقیق حاضر دارای نوآوری می‌باشد.

همان‌طور که در نمودار شماره یک دیده می‌شود الگوها و انواع مختلف برنامه درسی تلفیقی را می‌توان حداقل در دو سطح کلی تقسیم‌بندی کرد و هر یک از این سطوح نیز به زیرسطح‌ها و زیربخش‌هایی تقسیم می‌شود. سطح اول تقسیم‌بندی بر اساس محور تلفیق می‌باشد. در این سطح تمامی رویکردهای تلفیقی را می‌توان به سه دسته اصلی «محتوا محور»^۲، «مهارت محور»^۳ و «فراگیر محور»^۴ تقسیم کرد.

سطح دوم تقسیم‌بندی بر اساس نحوه ارتباط رشته‌ها در برنامه درسی تلفیقی است. این سطح از تقسیم‌بندی که خود زیرمجموعه‌ای از سطح اول است دارای زیربخش‌هایی نیز می‌باشد. در این سطح به انحصار عقلی، می‌توان تمامی رویکردهای محتوا محور را به دو دسته‌ی رشته‌ای و یا درون رشته‌ای^۵ (محدود به مرزهای یک رشته) و برون‌رشته‌ای^۶ (غیر محدود به مرزهای یک رشته) تقسیم‌بندی کرد. رویکرد درون‌رشته‌ای نیز به سه دسته تفکیک شده^۷، ارتباطی^۸، و تودرتو^۹ قابل تقسیم‌بندی می‌باشند. می‌توان رویکردهای برون‌رشته‌ای را نیز به دو گروه تقسیم‌بندی کرد. در گروه اول، رشته‌ی محوری که انسجام‌بخش فرآیند تلفیق است، وجود دارد و در دومی چنین محوری متصور نیست. رویکردهایی که جزء گروه اول قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: رویکرد موازی^{۱۰}، بین‌رشته‌ای^{۱۱}، چندرشته‌ای^{۱۲}، مقاطع^{۱۳} و متکثر^{۱۴}. گروه دوم نیز حداقل شامل سه رویکرد می‌گردد



1. Fogarty
2. Content-based integration
3. Training-based integration
4. Student-based integration
5. Disciplinary Approach (Intra-Disciplinary Approach)
6. Non-Disciplinary Approach (Inter-Disciplinary Approach)
7. fragmented
8. Connected
9. Nested
10. Parallel
11. Interdisciplinary
12. Multi-Disciplinary
13. Cross-Disciplinary
14. Pluri-Disciplinary

که عبارت‌اند از: فرارشتگی^۱، متارشتگی^۲ و پسارشتگی^۳. در ادامه به توضیح این سطوح و رویکردها می‌پردازیم.^۴ لازم به ذکر است که همان‌طور که فلش‌های قرار گرفته در سمت چپ و پایین نمودار نشان می‌دهند، هر چه که از بالای هرم به پایین هرم حرکت می‌کنیم، از تقسیم‌بندی‌های کلی رویکردهای میان‌رشته‌ای به تقسیم‌بندی‌های جزئی‌تر منتقل می‌شویم و در پایین هرم نیز هر چه که از سمت راست به سمت چپ حرکت می‌کنیم، غلظت و سطوح تلفیق افزایش می‌یابد.

۱-۲. سطح اول تقسیم‌بندی رویکردهای میان‌رشته‌ای: تقسیم بر اساس محور تلفیق

همان‌طور که گفتیم سطح اول تقسیم‌بندی رویکردهای میان‌رشته‌ای دارای سه بخش می‌باشد. در ذیل به معرفی و توضیح این سه بخش پرداخته و بعد از آن مناسب‌ترین رویکرد در تهیه برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی را مشخص می‌کنیم.

۱-۱-۲. تلفیق مهارت محور

این نوع از تلفیق در برنامه درسی هدفش ایجاد مهارت‌های مشخص در یادگیرندگان در جهت فراگیری مهارت‌های تفکر همراه با کاربرد وسیع آنها در موضوعات درسی است؛ تا در نتیجه توانایی درک موقعیت‌ها و در نهایت حل مسئله را کسب کنند. در این رویکرد، یادگیرنده به‌کارگیری مهارت‌ها را در انواع زمینه‌های آموزشی یاد می‌گیرد و در نهایت، انتقال، کاربرد و تعمیم آموخته‌ها را در هر یک از موضوعات درسی و همچنین در زندگی واقعی می‌آموزد. (هاشمیان، ۱۳۸۲: ص ۱۱؛ خورسندی، ۱۳۸۷: ص ۲۵۷)

۲-۱-۲. تلفیق محتوا محور

تلفیق محتوا محور بر تلفیق محتوای درسی بین دو یا چند رشته دلالت دارد. این شکل از برنامه درسی درصدد تلفیق موضوعات، مباحث و دانش‌های موجود در حول یک مسئله و موضوع اصلی است. هدف اصلی این شکل از تلفیق، ارائه موضوعات درسی از دیدگاه‌های مختلف و دستیابی فراگیران به دانش، بینش و بصیرت‌های جامع و بالای فردی و اجتماعی و تحقق سطوح بالای یادگیری به ویژه تحلیل و ترکیب است. (خورسندی، ۱۳۸۷: ص ۲۵۵)

۳-۱-۲. تلفیق فراگیر محور

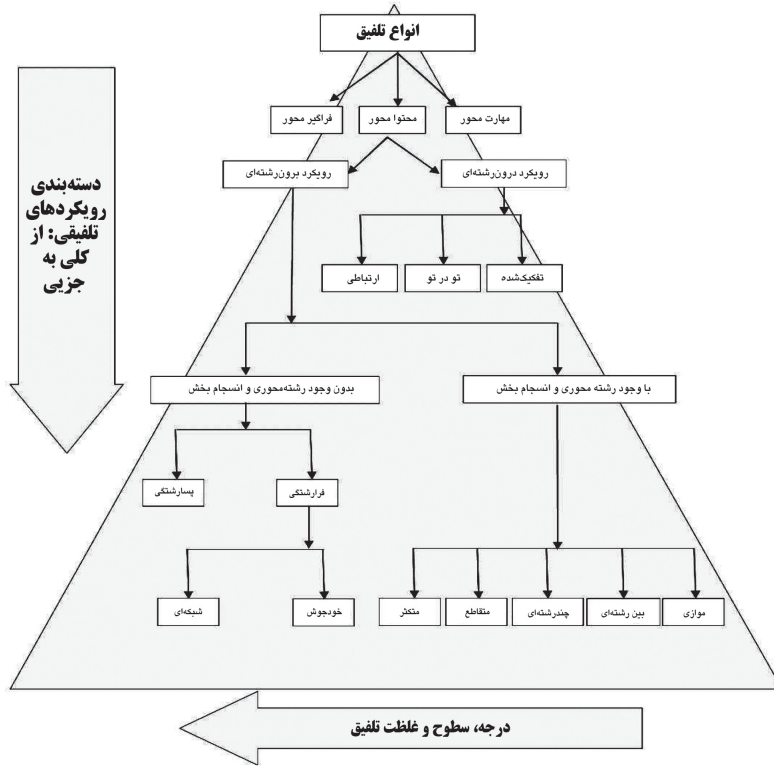
تلفیق فراگیر محور در برنامه درسی، در معنی گسترده و سطح کلان آن، تلفیق میان شناخت‌ها، برداشت‌ها و تجارب میان آموزگاران، فراگیران و کنشگران اصلی فرآیند آموزش و یادگیری،

1. Trans-disciplinary
2. Meta-disciplinary
3. Post-disciplinary

۴. لازم به ذکر است که با دقت بیشتر می‌توان زیر سطح‌های دیگری را نیز کشف کرد که بیان آنها از حوصله این مقاله خارج است.



مانند مدیریت آموزشی و جامعه محلی است. در این روند، کنشگران با ایجاد شبکه‌های ارتباطی فراگیر محور، به طرح مسئله می‌پردازند و با گسترش آن و با استفاده از تخصص‌های مختلف به کنکاش مسئله و اکتشاف می‌رسند. برنامه درسی تلفیقی فراگیر محور تمرکز خود را بر فراگیر قرار داده و از ایجاد برنامه درسی تلفیقی فراتر می‌رود. در واقع بر روی ایجاد خودراهبری، خودسامان‌دهی، خود یادگیری و خود تلفیقی در فراگیران تمرکز می‌کند. (هینز، ۲۰۰۲: ص ۱۸)



نمودار شماره ۱. هرم تلفیق در برنامه درسی؛ سطوح و گونه‌های تلفیق و میان‌رشته‌ای

۱-۳-۱. مناسبیت در برنامه درسی رشته اقتصاد اسلامی

پس از مرور سطح اول تقسیم رویکردهای میان‌رشته‌ای، سؤالی که با توجه به هدف مقاله مطرح می‌شود آن است که در تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی از کدام یک از سه نوع مطرح شده باید استفاده کرد؟ به نظر می‌رسد رویکرد بهینه‌ای که برنامه‌ریز رشته اقتصاد و مالیه اسلامی در تدوین برنامه درسی این رشته باید اتخاذ کند، حداقل در مراحل اولیه آن رویکردی

محتوا محور است. دلیل این امر آن است که اصلاح محتوای دروس رشته اقتصاد و وارد کردن تعالیم اسلامی در سرفصل‌ها در کنار مباحث متعارف رشته اقتصاد، که به‌طور قطع یکی از اهداف اصلی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی است، فقط در سایه تلفیق محتوا محور اتفاق می‌افتد. همچنین اتخاذ رویکرد محتوا محور ما را به تأمین اصول مطرح شده در بخش قبل، یعنی ایجاد ارتباط کمی و کیفی حداکثری بین مباحث متعارف اقتصاد و معارف اسلامی و همچنین بهره‌برداری حداکثری از منابع موجود اقتصاد و مالیه اسلامی نزدیک‌تر می‌کند. البته نباید از این نکته نیز غافل بود که تلفیق فراگیر محور و مهارت محور نیز نقاط مثبتی دارند که لازم است در مراحل بعدی ورود تعالیم اسلامی در آموزش رشته اقتصاد مورد استفاده قرار گیرند.

۲-۲. سطح دوم تقسیم‌بندی رویکردهای میان‌رشته‌ای: تقسیم بر اساس نحوه ارتباط رشته‌ها در

برنامه درسی تلفیقی

در سطح دوم تقسیم‌بندی رویکردهای میان‌رشته‌ای، می‌توان تمامی رویکردهای محتوا محور را به دو گروه درون‌رشته‌ای (محدود به مرزهای یک رشته) و برون‌رشته‌ای (غیر محدود به مرزهای یک رشته) تقسیم کرد که هر یک از آنها شامل چند رویکرد می‌گردد. در ذیل به معرفی و توضیح تمامی این رویکردها پرداخته و ضمن بیان نقاط قوت و ضعف آنها، میزان قابلیت این رویکردها به‌منظور استفاده در طراحی برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱. رویکرد تلفیقی درون‌رشته‌ای

رویکرد تلفیقی درون‌رشته‌ای فرایندی است که در آن فعالیت میان‌رشته‌ای و مقوله تلفیق در درون یک رشته خاص صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر درون‌رشته‌ای به تلاش‌ها و فعالیت‌های تلفیقی ویژه برای به‌کارگیری همزمان دانش، مفاهیم و روش‌های موجود در یک رشته دانشگاهی و یا حوزه علمی، برای شناخت و یا حل یک مسئله و یا موضوع مشخص در آن رشته یا حوزه علمی اطلاق می‌شود. (آبوت^۱، ۲۰۰۶، ص ۱۷) فعالیت‌های درون‌رشته‌ای به لحاظ ساختاری با سایر گونه‌های میان‌رشته‌ای متفاوت است و نقطه تلاقی و مشترک میان آنها، مقوله «تلفیق» است. همچنین این رویکرد دارای گونه‌هایی نیز می‌باشد؛ مانند تفکیک شده^۲، ارتباطی^۳ و تودرتو^۴ (خورسندی، ۱۳۸۷: ص ۶۷ و صص ۲۶۴-۲۶۷)^۵

1. Abbott
2. Fragmented
3. Connected
4. Nested

۵. به دلیل عدم تناسب رویکرد درون‌رشته‌ای در رشته اقتصاد و مالیه اسلامی از توضیح گونه‌های مطرح در داخل این رویکرد دو با تبیین نقاط قوت و ضعف آن خودداری شده است. خواننده می‌تواند مباحث تکمیلی را در منابع مرتبط جستجو کند. (خورسندی، ۱۳۸۷: ص ۶۸-۷۰)



۲-۱-۱. تناسب رویکرد درون‌رشته‌ای در تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی

با توجه به اینکه برنامه درسی اقتصاد و مالیه اسلامی تلاش دارد تا بین دو حوزه معرفتی مجزا یعنی علم اقتصاد متعارف از یک سو و تعالیم اسلامی در حوزه‌هایی چون فقه، تفسیر، فلسفه، کلام و غیره پیوند ایجاد کند، لذا رویکرد متناسب با آن رویکردی بین‌رشته‌ای می‌باشد و نه درون‌رشته‌ای. به‌طور مشخص‌تر، رویکرد درون‌رشته‌ای توانایی تأمین اصول ارزیابی متناسب رویکردهای میان‌رشته‌ای، یعنی اصل ایجاد ارتباط حداکثری، اصل اصلاح حداکثری و همچنین اصل بهره‌برداری حداکثری از تحقیقات اقتصاد و مالیه اسلامی را ندارد؛ فلذا رویکرد درون‌رشته‌ای نمی‌تواند به‌عنوان مبنای مناسب برای ارائه رشته اقتصاد و مالیه اسلامی مطرح باشد^۱.

۲-۲-۲. برنامه‌ریزی تلفیقی موازی

رویکرد تلفیقی میان‌رشته‌ای موازی^۲ که از آن به «جمع جبری» رشته‌ها نیز می‌توان یاد کرد، روشی است که در آن هر یک از رشته‌ها، مفاهیم، ساختارها، اصول، مبادی و روش‌های خود و همچنین ترتیب ارائه آنها را به‌طور کامل حفظ کرده و در عمل تنها شاهد استفاده موازی از مفاهیم و چارچوب‌های روش‌شناختی دو یا چند رشته، منطبق بر نظم منطقی هر رشته، بر روی موضوعی واحد هستیم. (قورچیان، ۱۳۷۸: صص ۲۴-۳۰) نمونه‌ای از این رویکرد را می‌توان در برنامه درسی مراکز بین‌المللی نیز مشاهده کرد. مثلاً رشته‌های «فلسفه و اقتصاد»، «حقوق و اقتصاد» و «فلسفه، سیاست و اقتصاد» در بیش از یکصد مرکز دانشگاهی معتبر دنیا از جمله دانشگاه آکسفورد قابل ردیابی است. (پیغامی، ۱۳۸۷: ص ۱۷) در داخل کشور نیز دانشگاه امام صادق (ع) می‌تواند به‌عنوان نمونه‌ای موفق از اجرای برنامه درسی میان‌رشته‌ای موازی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله اقتصاد و تحت عناوینی چون «رشته معارف اسلامی و اقتصاد» مطرح باشد^۳.

۲-۲-۱. نقاط قوت و ضعف

اصلی‌ترین ویژگی برنامه موازی سادگی آن می‌باشد. چرا که برنامه‌ریزی، مدیریت، اجرا و ارزیابی دوره‌های میان‌رشته‌ای موازی آسان است. همچنین مدیران، برنامه‌ریزان و اساتید خود برآمده از نظام‌های رشته‌ای هستند فلذا کمتر با رویکرد میان‌رشته‌ای موازی مشکل پیدا می‌کنند. در مقابل مهم‌ترین مشکل این رویکرد آن است که در این روش ارتباط عمیق و مؤثر بین رشته‌ها،

۱. لازم به ذکر است که کاربرد رویکرد درون‌رشته‌ای در رشته اقتصاد می‌تواند مثلاً بدین صورت باشد که از مباحث اقتصاد خرد در تحلیل‌های اقتصاد کلان استفاده کرد.

2. Parallel

۲. به‌منظور دستیابی به اطلاعات بیشتر، خواننده می‌تواند به سایت دانشگاه امام صادق (ع) به آدرس ذیل مراجعه کند



برای رسیدن به اهداف برنامه درسی ایجاد نمی‌شود. همچنین در این رویکرد مسئله تلفیق صرفاً به ذهن فراگیران و اگذار می‌شود و عناصر درگیر در نظام آموزش، از قبیل برنامه درسی، چینش و زنجیره محتوا، پژوهشگر و استاد هیچ نقشی را در این خصوص بر عهده نمی‌گیرند. (قورچیان، ۱۳۷۸، صص ۲۳-۳۰؛ پیغامی، ۱۳۸۷، ص ۱۷)

۲-۲-۲. تناسب رویکرد تلفیقی موازی در تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی

به نظر می‌رسد رویکرد موازی نیز توانایی تأمین مناسب اصول ارزیابی رویکردهای میان‌رشته‌ای، یعنی اصل ایجاد ارتباط (کمی و کیفی) حداکثری بین معارف اسلامی و اقتصادی و همچنین بهره‌برداری حداکثری از تحقیقات اقتصاد و مالیه اسلامی را نداشته فلذا در شرایط موجود نمی‌تواند به‌عنوان رویکرد میان‌رشته‌ای مناسب (کارا) برای طراحی برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی به کار رود. دلیل این امر آن است که برنامه درسی موازی، از سه محور اصلی آموزش و فرآیند یاددهی - یادگیری، یعنی منبع درسی، استاد و دانشجو فقط به یک مورد که همان دانشجو است اکتفا می‌کند. به عبارت دیگر، در ارائه دوره‌های موازی نه سرفصل‌ها تلفیقی هستند و نه استاد الزاماً وظیفه‌ای نسبت به ارائه تلفیقی مباحث بر عهده دارد؛ فلذا تنها فراگیر (دانشجو) است که وظیفه دارد تا با فراگرفتن هر دو حوزه معرفتی، تلاش کند تا بین آنها پل بزند و این بدان معناست که دانشجو وظیفه خطیر ایجاد پیوند و تولید علم اقتصاد و مالیه اسلامی را بر عهده می‌گیرد. بنابراین رویکرد موازی در اقتصاد و مالیه اسلامی تنها به ارائه دروس اسلامی مرتبط مانند فقه‌الاقتصاد در کنار سرفصل‌های متعارف رشته اقتصاد اکتفا کرده فلذا نه ارتباط حداکثری ایجاد می‌کند و نه از منابع و تحقیقات موجود در حوزه اقتصاد و مالیه اسلامی استفاده‌ای می‌کند.

۲-۲-۳. برنامه‌ریزی بین‌رشته‌ای

رویکرد بین‌رشته‌ای^۱ که اساساً رویکردی موضوع محور است، به ترکیب و امتزاج بین دانش، محتوا، موضوع و روش در دو یا چند رشته علمی و یا حوزه مطالعاتی اشاره دارد. در این سازماندهی

۱. لازم است به این نکته توجه شود که در ادبیات میان‌رشته‌ای (خورسندی، ۱۳۸۷)، کلمه Interdisciplinarity در دو معنا و در مقابل دو کلمه «میان‌رشته‌ای» و «بین‌رشته‌ای» قابل کاربرد می‌باشد. معنای اول آن «عام» است و به مفهوم نظریه‌ای است که در پنج دهه اخیر به مثابه گفتمانی مسلط بر اهداف، سیاست‌ها، ساختارها، فرایندها، الگوها و شیوه‌های تولید دانش و آموزش دانشگاهی حاکم بوده و از آن به «میان‌رشته‌گی» یاد می‌کنند. این نظریه یا گفتمان در حال تجربه و تکامل است و همان طور که در نمودار شماره یک ملاحظه شد، از رویکردها و گونه‌های مختلفی نیز برخوردار است. یکی از این گونه‌ها، رویکرد «بین‌رشته‌ای» است که معنایی «خاص» می‌باشد و منظور از آن گونه‌ای مشخص از گفتمان میان‌رشته‌ای است که دارای خصلت‌ها، مزیت‌ها، ویژگی‌ها و مصادیق ساختاری خاص است. بنابراین مشخص می‌شود که رابطه میان‌رشته‌ای و بین‌رشته‌ای به لحاظ منطقی عموم و خصوص مطلق می‌باشد و به عبارت دیگر بین‌رشته‌گی نوعی خاص از رویکردهای میان‌رشته‌ای می‌باشد.



خاص آموزشی، دانشجویان به یک نظام رشته‌ای خاص مقید نمی‌شوند، ولی موضوعات مهم و واحدی را از ابعاد مختلف و در چارچوب‌های تحلیلی و از منظر روش‌شناسی چند علم، مورد مطالعه و توجه قرار می‌دهند. به طوری که ابعاد متفاوت یک موضوع از جهات مختلف مورد ارزیابی دقیق قرار گرفته و در یک طرح منسجم ارائه می‌شود. در این رویکرد متخصصین رشته‌ها و حوزه‌های مختلف دانش، هدفمندانه به مرزهای معرفتی و روشی یکدیگر وارد شده و با توجه به ضرورت‌ها و نیازها به گسترش حوزه‌های معرفتی و ایجاد ساختارهای آکادمیک جدید اقدام می‌کنند. (ویر،^۱ ۱۹۷۸: صص ۳-۱۳؛ قورچیان، ۱۳۸۷: صص ۳۰-۴۴؛ پیغامی، ۱۳۸۷: ص ۱۴)

لازم به ذکر است در ادبیات میان‌رشته‌ای برای برنامه تلفیقی بین‌رشته‌ای انواع خاصی نیز مطرح می‌شود که پنج مورد از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از رویکرد بین‌رشته‌ای متوالی^۲، تسهیمی^۳، درهم‌تنیده^۴، پیچیده^۵، و یکپارچه^۶. تمامی این رویکردهای بین‌رشته‌ای ضمن حفظ ویژگی‌های اصلی بین‌رشته‌ای، دارای مشخصه‌های خاصی نیز می‌باشند فلذا انتخاب بین انواع این رویکردها به اهداف برنامه درسی بین‌رشته‌ای و صلاحدید برنامه‌ریز درسی ربط پیدا می‌کند.^۷

۲-۳-۱. نقاط قوت و ضعف

یکی از ویژگی‌های مهم رویکرد بین‌رشته‌ای آن است که این رویکرد برای تدوین برنامه درسی در مورد موضوعات چندوجهی و پیچیده بسیار مؤثر است و به لحاظ ارتباط مطالب و مواد آموزشی با یکدیگر و یکپارچگی و انسجام آنها، پیگیری اهداف بهتر انجام می‌شود. در واقع در این رویکرد میان رشته‌ها و موضوعات مختلف، ارتباط شفاف و مشخص برقرار است و دانش، مهارت و روش در رشته‌های مختلف، در یک فرایند متعامل و متقابل رشد می‌کنند. امتیاز دیگر شیوه بین‌رشته‌ای کمک به یاد دادن مفاهیم است. به این معنی که امکان تحلیل مسائل جدید را فراهم می‌کند، به فراگیر دید وسیعی می‌دهد، از نگرستن در یک دایره محدود جلوگیری می‌کند و از جزم‌اندیشی می‌کاهد. همچنین به دلیل ماهیت و ویژگی‌هایی که این رویکرد در فضاها



1. Weber
2. Sequenced
3. Shared
4. Webbed
5. Threaded
6. Integrated

۷. لازم به ذکر است، ارائه بحث تفصیلی در رابطه با این رویکرد از توان و اهداف این مختصر خارج است و خواننده به‌منظور آشنایی با انواع روش‌های به‌کارگیری رویکرد بین رشته‌ای به منابع مرتبگی که به بسط این رویکرد پرداخته‌اند مراجعه کند. (خورسندی، ۱۳۸۷: صص ۲۶۵-۲۶۷)

آکادمیک، بین‌رشتگی عمدتاً به الگوها، ساختارها و رشته‌های جدید دانشگاهی منجر می‌شود. (خورسندی، ۱۳۸۷: صص ۷۶-۷۹؛ ملکی، ۱۳۸۱: ص ۲۶۴؛ پیغامی، ۱۳۸۷: ص ۱۵)

در کنار نقاط قوت، یکی از چالش‌های استفاده از این رویکرد آن است که در پاره‌ای از موارد بین‌رشتگی می‌تواند موجب نوعی سطحی‌نگری شود که برای رسالت برنامه‌هایی که در پی تحقیقات نظری عمیق هستند، چندان مناسب نیست. همچنین استفاده همزمان از روش‌های منحصر بفرد یک رشته علمی با روش‌هایی از سایر رشته‌ها، ممکن است موجبات تراحم روش‌شناختی را فراهم آورد. علاوه بر این، در این رویکرد نیز، پیچیدگی در موضوع، هزینه‌بری، زمان‌بری در برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی، یکی از موانع اصلی به حساب می‌آید (وینبرگ و گروسمن^۱، ۲۰۰۰: صص ۱۳-۱۷)

۲-۳-۲. تناسب رویکرد بین‌رشته‌ای در تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی

به نظر می‌رسد رویکرد بین‌رشته‌ای ظرفیت خوبی برای تدوین برنامه‌های درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی داشته باشد. در واقع این رویکرد توانایی تأمین دو اصل بیان شده در بخش قبل را دارد. به عبارت دیگر رویکرد بین‌رشته‌ای هم توانایی ایجاد ارتباط (کمی و کیفی) حداکثری بین سرفصل‌های اقتصاد متعارف و تعالیم اسلامی را دارد و هم اینکه برنامه‌ریز این رشته می‌تواند در طراحی سرفصل‌های دروس، از تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در این حوزه حداکثر استفاده را بنماید. بنابراین امکان استفاده از رویکرد بین‌رشته‌ای در رشته اقتصاد و مالیه اسلامی وجود دارد. در واقع با کاربرد این رویکرد، می‌توان موضوعات و سرفصل‌های مختلف رشته اقتصاد را همزمان از دو بعد اسلامی و اقتصادی مطالعه کرد. مثلاً موضوعاتی چون دولت و نقش آن در اقتصاد، منابع مالی و مخارج دولت، خصوصی‌سازی، رقابت، توسعه و توسعه انسانی، بازار، پول و بانکداری، مالکیت، حداکثرسازی، اهداف مصرف‌کننده و تولیدکننده، مالیات‌ها و یارانه‌ها، ارزش زمانی پول، بهره و ربا، کار و مسئله ارزش، حاکمیت و حکمرانی خوب و مباحث فراوان دیگر می‌توانند همزمان از منظر اقتصاد متعارف و تعالیم اسلامی (شامل دیدگاه‌های فقهی، کلامی، تفسیری، فلسفی و غیره) مورد بررسی قرار گیرند و در هر یک از این موضوعات نیز تحقیقات متعددی نیز انجام شده است که لازم است در تدوین برنامه درسی مورد استفاده قرار گیرند. (اقبال، ۱۳۸۷؛ میسمی، ۱۳۸۸؛ صدیقی، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۷؛ مصباحی‌مقدم و میسمی، ۱۳۸۸)



فصلنامه علمی - پژوهشی

۲-۲-۴. برنامه‌ریزی چندرشته‌ای

شیوه آموزش چندرشته‌ای^۱ اینگونه است که در برنامه‌های درسی، تلفیق یا ترکیب آگاهانه و هدفمندی میان دانش، روش و تجارب رشته‌ای مختلف صورت نمی‌گیرد، بلکه علوم و دانش‌های مختلف بدون اینکه با یکدیگر ترکیب و یا تلفیق گردند، تدریس می‌شوند و دانشجویان در فرایند برخورداری از چنین برنامه‌های متنوعی به «خودتلفیقی» و «خودترکیبی» دانش، نظریه‌ها، روش‌ها و تجارب می‌رسند. (خورسندی، ۱۳۸۷، ص ۸۲) در واقع چندرشته‌گی یک رویکرد تلفیقی/غیرتلفیقی میان رشته‌ها است که در آن هر رشته نقش و موقعیت مستقلی دارد و همواره هویت‌های معرفتی و روش رشته‌ای خود را حفظ می‌کند، ولی فعالیت‌ها و نتایج کار به مسئله و موضوعی معطوف است که رشته‌های دیگر به آن می‌پردازند. بنابراین چندرشته‌گی به آموزش‌هایی اطلاق می‌شود که در آنها علوم متعددی تدریس می‌شوند، بدون این که این علوم با یکدیگر ترکیب شوند. (آگسبرگ^۲، ۲۰۰۵: ص ۱۴؛ کلاین^۳، ۱۹۹۶: ص ۱۷؛ برازو^۴، ۱۳۸۷: ص ۲۲؛ فورچیان، ۱۳۷۴: صص ۴۵؛ رولاند^۵، ۱۳۸۷: ص ۲۵)

۲-۲-۱. نقاط قوت و ضعف

یکی از ویژگی‌های این رویکرد نیز سادگی در مقام طراحی برنامه درسی است. در واقع طراحی به شیوه چندرشته‌ای، نسبت به شیوه بین‌رشته‌ای تلاش کمتری می‌برد و به‌طور کلی، مواد برنامه درسی آسانتر در کنار هم قرار می‌گیرند. علاوه بر این در این رویکرد همه شرایط و ابعاد یک موضوع بررسی می‌شود. در واقع یک پدیده یا مفهوم به‌طور جامع و در کلیت خود بررسی می‌شود و به جهت بررسی مسئله از زوایای مختلف، تطابق و ارتباط لازم را با مسائل واقعی زندگی داراست. (پیغامی، ۱۳۸۷: ص ۱۶) از طرف دیگر بهترین نقطه ضعف این رویکرد آن است که گرچه در فعالیت‌های چندرشته‌ای، دانش، اطلاعات، نظریه‌ها، مهارت‌ها، مفاهیم و روش‌های چندین رشته از قلمروهای مختلف دخالت دارند، اما هر رشته، ماهیت، هویت و استقلال خود را حفظ می‌کند و دانش، روش و محتوای موضوعات و رشته‌ها به‌طور مستقل از سایر رشته‌ها بررسی می‌شود. (خورسندی، ۱۳۸۷، صص ۸۵-۸۶)



1. Multidisciplinary
2. Augsburg
3. Klein
4. Brazo
5. Ronald

۲-۲-۴. مناسبت رویکرد چندرشته‌ای در تهیه برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی

گرچه این رهیافت ظرفیت خوبی برای مطالعه همه جانبه یک موضوع چند بعدی را دارد، اما به هر حال به نظر می‌رسد در شرایط موجود رویکرد چندرشته‌ای برای تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی چندان مناسب نیست. دلیل این امر آن است که طبق تعریف، برنامه درسی چندرشته‌ای، برنامه‌ای است که در آن علوم متعددی حول یک موضوع تدریس می‌شوند، بدون این‌که این علوم با یکدیگر ترکیب شوند. بنابراین در این رویکرد مسئله برنامه‌ریز درسی، ایجاد ترکیب بین حوزه‌های معرفتی نبوده و تلاشش آن است که در برنامه درسی ابعاد و دیدگاه‌های گوناگون در رابطه با موضوع مطرح شوند. اما همان طور که در بخش قبل مقاله عنوان شد، رویکرد بهینه در برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی، باید از اصل ایجاد ارتباط کمی و کیفی حداکثری بین تعالیم اسلامی و اقتصادی متابعت نماید و علاوه بر این از ادبیات موجود نیز بهره کافی ببرد. بنابراین رویکرد چندرشته‌ای گرچه مزیت‌هایی ایجاد می‌کند، اما در حال حاضر برای تدوین برنامه درسی در حوزه اقتصاد و مالیه اسلامی مناسبت زیادی ندارد.

۲-۲-۵. برنامه‌ریزی تلفیقی متقاطع (تقاطع رشته‌ای)

برنامه‌ریزی متقاطع^۱ که از آن به گذار از رشته‌ها نیز یاد شده است، رویکردی است که در آن یک رشته (به‌عنوان رشته اصلی و محوری) از دیدگاه تحلیلی، روش شناختی و در قالب الفاظ رشته‌ای دیگر (به‌عنوان رشته ابزاری و کمکی) مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در واقع هدف این رویکرد دستیابی به نگاهی بیرونی به یک رشته، مبادی و اصول حاکم بر آن و تحلیل رفتار جمعی عالمان آن می‌باشد. به‌عنوان نمونه سیاست ادبیات^۲ یکی از رشته‌هایی است که در اثر کاربرد رویکرد متقاطع در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی به وجود می‌آید. در این رشته، «ادبیات» (علوم انسانی) به لحاظ روش‌شناسی و از منظر و زاویه دید «سیاست» (علوم اجتماعی) مورد مطالعه و تحقیق واقع می‌شود. در این حوزه، کنشگران و محققان علوم سیاسی مضامین، مفاهیم و دانش‌های منظوم و منثور (یک دوره مشخص) ادبیات را با جهت‌گیری‌ها، روش‌ها و تحلیل‌های سیاسی مورد مطالعه و کنکاش علمی قرار می‌دهند. (دورمن^۳، ۲۰۰۵: ص ۱۷؛ پیغامی، ۱۳۸۷: ص ۱۵؛ دراکوپولوس^۴، ۱۹۹۴: ص ۲۳؛ خورسندی، ۱۳۸۷: ص ۷۲)

1. Cross-Disciplinary
2. Politics of literature
3. Dorman
4. Drakopoulos



لازم به ذکر است در رویکرد متقاطع ضرورتی ندارد که کنشگران فرآیند یاددهی - یادگیری، در هر دو و یا چند رشته مورد مطالعه متخصص باشند. در واقع در این رویکرد مبانی، مباحث، موضوعات و محتوای هر رشته توسط مدرس و مدرسانی که از زاویه دید و چشم‌اندازهای روشی رشته و حوزه تخصصی خود به آن می‌نگرند آموزش داده می‌شود. (دیویس^۱، ۲۰۰۷: ص ۱۳)

۲-۵-۱. نقاط قوت و ضعف

علاوه بر ساده بودن در اجرا، یکی از مزیت‌ها و ویژگی‌های خاص رویکرد تلفیقی متقاطع نسبت به سایر گونه‌ها و رویکردهای میان‌رشته‌ای، وجود ظرفیت «خودتلفیقی» است. در این رویکرد، بدون اینکه طرح و برنامه درسی تلفیقی ترسیم گردد، دوره و یا برنامه مورد نظر به‌طور تلفیقی اجرا می‌شود. به‌عنوان مثال، هنگامی که «گروه آموزشی هنر» در یک دانشگاه، دوره‌ای را ارائه می‌دهد که در آن «تاریخ هنر» توسط یک تاریخدان ارائه می‌شود و یا درس مبانی نظری فیزیک موسیقی را استاد فیزیک تدریس می‌کند، به‌طور ناخودآگاه نوعی «خودتلفیقی» شکل گرفته است. (خورسندی، ۱۳۸۷: ص ۷۴) در مقابل به نظر می‌رسد مهم‌ترین نقطه ضعف این رویکرد در عدم ایجاد تلفیق و ارتباط موثق در سرفصل‌ها است. به عبارت دیگر در این رویکرد یک رشته به‌عنوان محور اصلی مطرح شده و دیدگاه برنامه‌ریز درسی به رشته دیگر کاملاً ابزاری است.

۲-۵-۲. مناسبت رویکرد متقاطع در تهیه برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی

به نظر می‌رسد رویکرد متقاطع نیز گرچه مزیت‌هایی دارد و از رویکردهایی چون درون‌رشته‌ای و موازی قوی‌تر است، اما به هر حال برای تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی چندان مناسب نیست. دلیل این امر آن است که در این رویکرد طبق تعریف یک رشته مبنا قرار می‌گیرد و رشته دیگر به‌عنوان یک ابزار استفاده می‌شود. کاربست این رویکرد در برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی در شرایط موجود به آن معنا خواهد بود که تعالیم اقتصاد متعارف (با توجه به سابقه و قوتی که دارد) به‌عنوان محور و مبنا مطرح گردیده و دیدگاه و الفاظ اسلامی در رابطه با آنها به صورت ابزاری مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت دیگر مباحث اقتصاد متعارف در غالب‌ها و چارچوب‌هایی اسلامی مطرح شود. مثلاً مفهوم «ناکارایی^۲» در اقتصاد معادل مفهوم اسلامی «اسراف و تبذیر» و مفهوم «مالیات^۳» معادل مفاهیمی چون «زکات و خمس» تعریف شود. به نظر می‌رسد رویکرد متقاطع از دو اصل مطرح شده در قسمت قبل، توانایی تأمین اصل دوم،



1. Davies
2. Inefficiency
3. Tax

یعنی اصل بهره‌برداری حداکثری را تا حدودی داشته باشد. دلیل این امر نیز آن است که بخشی از تحقیقات موجود در ادبیات اقتصاد و مالیه اسلامی به سمت ابزاری‌نگری به تعالیم اسلامی در حوزه اقتصاد پیش رفته‌اند و سعی کرده‌اند مباحث اقتصادی متعارف را بر دیدگاه‌های اسلامی تطبیق دهند. اما به هر حال این رویکرد توانایی تأمین اصل ارتباط حداکثری را ندارد. به این معنا که در این رویکرد ارتباط عمیق و مناسب بین تعالیم اسلامی و متعارف در حوزه اقتصاد برقرار نگردیده و در بعضی موارد ممکن است به سطحی‌نگری و توجیه‌گرایی مباحث متعارف اقتصاد بیانجامد.

۲-۲-۶. برنامه‌ریزی تلفیقی چندرشته‌ای متکثر

تکثررشتگی^۱، عبارت است از گفت‌وگو، تعامل و همکاری میان نظریه‌ها، تخصص‌ها، ابزارها، شیوه‌ها و تجارب متعدد از حوزه‌های مختلف علمی به منظور بررسی، شناسایی و حل موضوع و مسئله‌ای مبتلا به که اجتماع وسیعی را در بر می‌گیرد. فعالیت‌های تکثر رشته‌ای عمدتاً تحقیقاتی و مطالعاتی هستند و روی مسائل یا موضوعاتی متمرکزند که جنبه «اجتماعی» دارند. مثلاً «مرض چاقی»^۲ که امروزه یکی از معضلات اجتماعی، روحی و جسمانی شهروندان در کشورهای صنعتی به شمار می‌رود، از موضوعات متکثر رشته‌ای است که مستلزم مطالعه و تحقیق علمی از سوی رشته‌ها و حوزه‌های مختلف علمی و پژوهشی نظیر علوم ورزشی، علوم بهداشتی، علوم پزشکی، تغذیه، علوم رفتاری، زیست‌شناسی مولکولی، روان‌شناسی اجتماعی، علوم فناوری، اقتصاد و... است. علاوه بر آن، مسائل و معضلات اجتماعی دیگری، نظیر «ایدز»، «بحران آب در آفریقا»، «افزایش گرمای جهانی»، «مسئله اعتیاد» و «آمایش سرزمین»^۳ از جمله موضوعات و مسائل اجتماعی هستند که مستلزم اتخاذ سیاست‌های متکثر رشته‌ای برای تحقیق، تحلیل و مبارزه هستند. (ابوایلا، ۲۰۰۷: صص ۱۱-۱۴؛ دیویس، ۲۰۰۷: ص ۱۶)

تکثر رشته‌ای علاوه بر تبیین و تحلیل مسائل اجتماعی، در فعالیت‌های آموزشی نیز کاربرد دارد. چنین فعالیت‌هایی معمولاً با این پرسش آغاز می‌شود که آیا می‌توان در طول یک دوره آموزشی بدون این که تلفیقی در برنامه درسی طراحی گردد، اساتید و دانشجویان پیرامون مسائل اجتماعی با یکدیگر گفت و گو و همکاری مستمر داشته باشند و بتوانند روی مسئله یا موضوع مورد نظر کار کنند. در واقع در برنامه‌های آموزشی متکثر، گرچه تلفیق در برنامه درسی

1. Pluridisciplinary
2. Obesity
3. Land Use
4. Aboeilela



انجام نمی‌شود، اما انجام آن به مخاطب، دانشجو و کنشگر میان‌رشته‌ای واگذار می‌گردد، تا نتیجه‌گیری‌های خاص خود را صورت دهد و به تلفیق شخصی برسد. (کالانان، ۱۳۸۷: ص ۲۲؛ خورسندی، ۱۳۸۷: ص ۸۶)

۲-۶-۱. نقاط قوت و ضعف

مهم‌ترین ویژگی برنامه درسی میان‌رشته‌ای متکثر در آن است که به موضوعات مهم اجتماعی پرداخته و کنشگران فرآیند یاددهی - یادگیری را با آنها درگیر می‌سازد. ولی مهم‌ترین ضعف آن نیز در آن است که در این رویکرد برنامه درسی به صورت تلفیقی ارائه نمی‌شود؛ به عبارت دیگر رویکرد مذکور رویکردی فرابرنامه‌ای است و مسئله تلفیق را در بیرون برنامه درسی جستجو می‌کند.

۲-۶-۲. مناسبت رویکرد چندرشته‌ای متکثر در تهیه برنامه درسی رشته اقتصاد اسلامی

همان‌طور که عنوان شد رویکرد متکثر رویکرد فرابرنامه‌ای بوده و بر تلفیق بین حوزه‌های مختلف در اثر گفتگو و هم‌فکری کنشگران تاکید می‌کند. بنابراین این رویکرد نیز به‌منظور تدوین برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی در حال حاضر و تأمین دو اصل مذکور در بخش قبل چندان مناسب نمی‌باشد. البته مسلماً در آینده و پس از آنکه رشته اقتصاد و مالیه اسلامی چندین دوره ارائه گردید و مورد ارزیابی و اصلاحات قرار گرفت می‌توان از این رویکرد و نقاط قوتی که دارد نیز استفاده‌هایی نمود.

۲-۷-۲. برنامه‌ریزی تلفیقی فرارشته‌ای

فرارشته‌گی^۱ عبارت است از همگرایی چشم‌اندازها و نظرگاه‌های علمی، فلسفی و معرفتی بین رشته‌های دانش، به‌منظور دستیابی به شناختی جامع از «حقیقت»، «طبیعت» و «معرفت». فرارشته‌گی نه تنها مرزها و اقلیم‌های دانش و روش‌های رشته‌ها و تخصص‌های دانشگاهی و آکادمیک را می‌پیماید، بلکه از آن فراتر رفته و دانش‌ها، تجارب و روش‌های آن‌سوی مرزهای رشته‌ها و تخصص‌های مرسوم آکادمیک را جستجو می‌کند. (نگر^۲، ۲۰۰۴؛ ماکس نیف^۳، ۲۰۰۵؛ دیویدسون^۴، ۲۰۰۴)

فرارشته‌گی در «دو» بعد متجلی می‌گردد؛ بعد اول، «معرفت‌شناختی» است. از این منظر، فلسفه و هدف فرارشته‌گی، تبیین و فهم هستی و معرفت بوده و محصول فرارشته‌گی، دستیابی به دانش‌های بنیادین، نظریه‌های جهان‌شمول و معرفت‌های وحدت بخش است. بعد «دوم» فرارشته‌گی، «انتقادی» است. از مهم‌ترین جریان‌های فرارشته‌ای انتقادی در نیمه دوم قرن گذشته، می‌توان به

1. Transdisciplinary
2. Negre
3. Max-Neef
4. Davidson



مطالعات «پسااستعماری»^۱ اشاره کرد. به‌طور کلی، مباحثی که دارای ابعاد روشنفکرانه اجتماعی - انتقادی هستند و نسبت به مؤلفه‌هایی نظیر قدرت و فرهنگ نظرگاه‌های انتقادی، ساختاری و کارکردی دارند، در فضای فرارشتگی «انتقادی» بررسی و تحلیل می‌شوند. مثلاً «پسااستخترگرایی» (مارکسیسم) و «فمینیسم» از حوزه‌های فرارشته‌ای هستند. (خورسندی، ۱۳۸۷: ص ۹۲)

از آنجایی که خلق دانش، بینش و تجارب نو از هدف‌های اصلی فرارشتگی است، یکی از ویژگی‌های اصلی آموزش و یادگیری در ساختار این رویکرد استقبال از آشکارسازی، ارج‌گذاری و تبیین «تفکرات جدید»، «تخیلات غریب»، «تصورات بیگانه»، «پرسش‌های غیر متعارف» و «فرضیه‌های ظاهراً محال و غیر قابل اثبات» است. (خورسندی، ۱۳۸۷: ص ۲۶۷؛ ملکی، ۱۳۸۱: ص ۲۵۸) همچنین لازم به ذکر است این رویکرد دارای انواعی نیز می‌باشد. به‌عنوان نمونه برخی از تحقیقات آن را به دو نوع خودجوش و شبکه‌ای و برخی دیگر به افقی، قائم و مورب، تقسیم کرده‌اند. (خورسندی، ۱۳۸۷: ص ۲۶۹؛ پیغامی، ۱۳۸۷: ص ۵)

۲-۷-۱. نقاط قوت و ضعف

یکی از ویژگی‌های اصلی رویکرد فرارشته‌ای انطباق بیشتر آن با واقعیت‌ها و پیچیده‌گی‌های حاکم بر زندگی بشری است. به عبارت دیگر فرارشتگی، منطق جمعی زندگی همه ماست. بنابراین در این رویکرد دیدگاهی جامع و کل‌نگر^۲ ایجاد شده و محقق به فراتر از برنامه‌های متعارف در رشته‌های درسی هدایت می‌شود. (نیکولسکو^۳، ۱۹۹۶: ص ۱۱) علاوه بر این، رویکرد فرارشته‌ای تمرکز اصلی خود را بر تقویت مهارت‌های عملی در فراگیران قرار می‌دهد. به‌عنوان نمونه مواردی چون قدرت تخیل، تجزیه و تحلیل، مهارت ترکیب، تفکر انتقادی و پرورش روحیه آزادی و استقلال فردی دانشجویان از اهداف اصلی دوره‌های آموزشی فرارشته‌ای هستند؛ فلذا در آموزش فرارشته‌ای، مؤلفه‌هایی چون شهود^۴، تخیل^۵ و حساسیت هیجانی^۶ در انتقال و خلق دانش جدید مورد تاکید و بازارشیبایی^۷ قرار می‌گیرند. (کلاین، ۲۰۰۲: ص ۲۳) به هر حال یکی از انتقاداتی که بر فرارشتگی وارد می‌شود، آن است که چون در فعالیت‌های فرارشته‌ای، رقابت‌های مرزی و تعامل میان رشته‌ها جایگاهی ندارد و تلاش بر

1. Postcolonialism
2. Holistic
3. Nicolescu
4. Intuition
5. Imagination
6. Emotional Sensibility
7. Revalue



سر ارائه دیدگاه‌هایی کلی در جهت دستیابی به مفاهمه میان معرفت‌ها و روش‌هاست، نتایج و یافته‌های فرارشته‌ای عمدتاً انتزاعی، آرمانی، و ذهنی بوده و فاقد راهکارهای عملی مشخص می‌باشند. (مارجینسون^۱، ۲۰۰۷: ص ۲۳)

۲-۷-۲. مناسبت رویکرد فرارشته‌ای در تهیه برنامه درسی رشته اقتصاد اسلامی

این رویکرد رویکردی فرابرنامه‌ای است و به اقدامات تکمیلی که در جهت تقویت و ایجاد اثر بخشی عملی در برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی مورد نیاز است، می‌پردازد. بنابراین این رویکرد نیز توانایی تأمین اصول مطرح شده در بخش دو را ندارد. چرا که هدف برنامه درسی رشته اقتصاد و مالیه اسلامی در شرایط موجود و با توجه به جدید بودن حوزه مورد بحث، اصلاح سرفصل‌های رشته اقتصاد به نحوی است که مسائل اسلامی در آن مطرح شود و علاوه بر این از ادبیات موجود در حوزه اقتصاد و مالیه اسلامی نیز استفاده مناسبی گردد. البته این حرف هرگز بدان معنا نیست که رشته اقتصاد و مالیه اسلامی از رویکرد فرارشته‌ای که با قرار دادن یادگیرنده و مهارت‌های گوناگون وی به‌عنوان کانون توجه، در جهت تقویت مهارت‌های شناختی، گرایشی، و رفتاری حرکت می‌کند، بی‌نیاز است؛ بلکه منظور آن است که در شرایط موجود، موضوع تدوین محتوا بر سایر مباحث مقدم بوده و پس از آنکه محتوای مناسب تدوین گردید و نوبت به اجرای برنامه رسید، می‌توان و باید از اقدامات تکمیلی در جهت تأمین نیازهای معرفتی و مهارتی دانش‌آموختگان به‌عنوان سرمایه‌های انسانی عرصه تولید علم اقتصاد اسلامی، بهره برد.

۲-۸-۲. پسارشتگی

«پسارشتگی»^۲، که در مباحث و متون مربوط به میان‌رشتگی، به ضدرشته‌ای^۳، پادرشتگی^۴ و انعکاسی^۵ نیز شناخته می‌شود، بحث از تقسیم‌بندی و مقوله‌بندی معرفتی و روشی دانش‌ها را امری مردود و ناروا می‌داند و بر این مفروضه استوار است که تقسیم‌بندی علم و دانش به «رشتگی» و حتی «میان‌رشتگی» و «فرارشتگی» یک تقسیم‌بندی ایدئولوژیک است. بر اساس این دیدگاه، طرفداران پسارشتگی نتیجه می‌گیرند که متابعت از هر نوع نظریه‌ای و یا خلق هر گونه الگوی رفتاری که بر مبنای ساختارهای سازمان‌یافته دانش (رشته‌ها) و یا گونه‌های میان‌رشتگی استوار باشد، ناروا و غیر قابل دفاع است. پسارشتگی خواستار برچیده شدن ساختارها و

1. Marginson
2. Post- disciplinarity
3. Adisciplinarity
4. Anti- Disciplinarity
5. REflexive



بافتارهای رشته‌ای و میان‌رشته‌ای است و رشته‌ها و گونه‌های میان‌رشته‌ای را از اساس ناکارا و ناصواب می‌داند. لازم به ذکر است از منظر معرفت‌شناسی، پسارشتگی از نظرگاه‌های رادیکال پسامدرنیستی متأثر است. به هر حال طرفداران پسارشتگی، به‌رغم انتقادات و ادعاهای جذابی که مطرح می‌کنند، فاقد بینش‌ها و جهت‌گیری‌های آگاهانه، واقع‌بینانه و علمی برای شناخت، فهم و حل موضوعات و مسائل اجتماعات امروزی هستند. (خورسندی، ۱۳۸۷: ص ۹۸)^۱

نتیجه‌گیری، توصیه‌های سیاستی و چشم‌انداز تحقیقات آینده

این مقاله الگوها و انواع مختلف برنامه درسی تلفیقی را مورد بررسی قرار داد و همچنین میزان تناسب آنها در رشته اقتصاد و مالیه اسلامی به‌عنوان یک رشته جدید در نظام آموزش دانشگاهی ایران تبیین نمود. در واقع ضمن تبیین رویکردهای میان‌رشته‌ای به این سؤالات پاسخ داد که اگر رشته اقتصاد و مالیه اسلامی به‌عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای در علوم انسانی-اسلامی بخواهد تشکیل شود، از کدامیک از رویکردهای مطرح می‌تواند استفاده کند، توانایی هر رویکرد چه میزان است و شاخص و معیار لازم برای تبیین تناسب و کشف رویکرد بهینه در ارائه برنامه رشته اقتصاد و مالیه اسلامی کدام است؟

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد متناسب برای دوره اقتصاد و مالیه اسلامی رویکردی محتوا محور می‌باشد. از میان گونه‌های محتوا محور نیز رویکردهای درون‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای موازی در شرایط موجود متناسب نبوده و توانایی تأمین اصول مطرح شده را ندارند. اما رویکردهای چندرشته‌ای، متقاطع، متکثر و همچنین رویکردهای فرارشته‌ای و پسارشتگی گرچه از دو رویکرد درون‌رشته‌ای و موازی مناسب‌تر می‌باشند، اما در شرایط موجود استفاده از آنها با توجه به نقاط ضعفی که دارند پیشنهاد نمی‌شود. در نهایت به نظر می‌رسد ظرفیت و کارایی رویکرد بین‌رشته‌ای از بقیه رویکردها بیشتر بوده و برنامه‌ریز رشته اقتصاد و مالیه اسلامی می‌تواند از آن در تدوین برنامه درسی دوره بهره‌بردارد. در واقع ظرفیت رویکرد مذکور در تأمین اصول مطرح شده بیش از سایر رویکردها می‌باشد. به هر حال در عمل می‌توان از رویکرد بین‌رشته‌ای به‌عنوان رویکرد اصیل و مبنایی بهره‌برد و در کنار آن از نقاط قوت موجود در سایر رویکردها به‌منظور تقویت برنامه درسی استفاده کرد.

۱. لازم به ذکر است به دلیل عدم تناسب این رویکرد در بحث ما، از بررسی نقاط قوت و ضعف و همچنین تبیین مناسبیت در رشته اقتصاد اسلامی خورداری شده است.



توصیه سیاستی این مقاله به نهادهای مسئول در امر اصلاح نظام آموزش علوم انسانی، به‌عنوان نمونه شورای عالی انقلاب فرهنگی، آن است که رویکردهای میان‌رشته‌ای مبنا و پایه‌ای علمی برای اصلاح نظام آموزش علوم انسانی از دیدگاه اسلامی فراهم می‌کنند فلذا لازم است ادبیات میان‌رشته‌ای در فضای علمی کشور تقویت شود. البته در این زمینه اولویت با رویکردهایی است که قوت و کارایی بیشتری در این زمینه دارند (مثلا رویکرد بین‌رشته‌ای). اما توصیه این مقاله به موسساتی که از برنامه‌های موازی استفاده می‌کنند، مثلا دانشگاه امام صادق(ع)، آن است که بر اساس یافته‌های این تحقیق رویکرد مذکور در شرایط موجود رویکرد مناسبی برای ارائه دوره‌های اقتصاد اسلامی نبوده فلذا لازم است این موسسات از رویکرد موازی به رویکردهای تلفیقی قوی‌تر منتقل شوند.

تحقیقات آینده در این حوزه می‌توانند بر روی کاربست رویکرد بین‌رشته‌ای در دروس مختلف رشته اقتصاد متمرکز شوند. به عبارت دیگر می‌توانند به این سؤال مهم پاسخ دهند که اتخاذ رویکرد مذکور در دروس مختلف رشته اقتصاد، منجر به ورود و یا حذف کدامیک از سر فصل‌ها می‌گردد؟ و یا اینکه دیدگاه‌های جدیدی که با اتخاذ رویکرد بین‌رشته‌ای (رویکرد بهینه) در رابطه با موضوعات مختلف مطرح می‌شوند کدام است؟ همچنین می‌توان ادبیات موجود اقتصاد اسلامی را مورد بررسی قرار داد و تبیین کرد که چه بخشی از آن در قالب رویکرد بین‌رشته‌ای قرار می‌گیرد و چه بخشی از آن در قالب رویکردهای دیگر. علاوه بر این، می‌توان تجربه استفاده از انواع مختلف رویکردهای میان‌رشته‌ای را در داخل و خارج از کشور بررسی، تحلیل و مقایسه نمود. مثلا تجربه دانشگاه امام صادق(ع) که به‌طور کامل از رویکرد میان‌رشته‌ای موازی بهره می‌برد.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۵۴

دوره دوم
شماره ۳
تابستان ۱۳۸۹

منابع

- اقبال، م. (۱۳۸۷) *چالش‌های پیش روی بانکدای اسلامی*، ترجمه: حسین میسمی، مسلم بمانپور، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.
- برازو، ژ. (۱۳۸۷) «مطالعات زنان یک حوزه پژوهشی رشته‌ای است یا میان‌رشته‌ای؟»، مجموعه مقالات *چالش‌ها و چشم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای*، ترجمه: ناصح قلی پور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پوریزدان‌پرست، م. ه. (۱۳۸۳) «لزوم تحول در آموزه‌های علم اقتصاد»، مجموعه مقاله‌های دومین همایش *آموزش و پژوهش علم اقتصاد در ایران*، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
- پیغامی، ع. (۱۳۸۷)، «رهیافت‌های تلفیقی در طراحی رشته اقتصاد اسلامی»، فصلنامه علمی *پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ش ۳۲.
- درخشان، م. (۱۳۸۱)، «بحران تفکر اقتصادی در ایران»، مجموعه مقاله‌های اولین همایش دستاوردهای *آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد در ایران*، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
- خوردسندی، ع. (۱۳۸۷) *گفتمان میان‌رشته‌ای دانش*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- دادگر، ی. (۱۳۸۴) «اصلاح ابعاد از آموزش اقتصاد ایران به مثابه نزدیک شدن به اقتصاد بومی و دینی»، مجموعه مقالات *چهارمین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی*، دانشگاه تربیت مدرس.
- دنو، (۱۳۷۷) «طراحی برنامه‌ها و مواد آموزشی به شیوه تلفیقی و میان‌رشته‌ای»، ترجمه: مرتضی خلخالی، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، سال ۲، ش. ۲.
- رولاند، اس، (۱۳۸۷)، «میان‌رشته‌گی»، ترجمه مجید کرمی، در مجموعه مقالات *مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- صدر، ک. (۱۳۸۲) «عملکرد آموزش اقتصاد اسلامی در رشته اقتصاد در دانشگاه‌ها»، مجموعه مقاله‌های اولین *نشست تخصصی مدرسان درس‌های اقتصاد اسلامی*، پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.
- صدیقی، م. ن. ا. (۱۳۸۴) *آموزش علم اقتصاد از دیدگاه اسلامی*، مترجم: محمدرضا شاهرودی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.
- صدیقی، م. ن. ا. (۱۳۸۷) *ریا، بهره بانکی و حکمت تحریم آن در اسلام*، ترجمه: حسین میسمی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.
- عسگری، م. م. و میسمی، ح. (۱۳۸۸) «آموزش اقتصاد خرد از دیدگاه اسلامی: مقدمه‌ای نحوه توسعه نظام آموزشی اقتصاد اسلامی در دانشگاه‌ها»، *نشریه علمی-ترویجی راهبرد یاس*، ش. ۱۷.
- عیوضلو، ح. و میسمی، ح. (۱۳۸۷) «ثبات و کارایی در نظام بانکداری اسلامی در مقایسه با نظام بانکداری متعارف»، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ش. ۳۱.
- قورچیان ن. ق. (۱۳۷۴) *شقوق مختلف، جهت طراحی برنامه درسی*، مرکز ملی تحقیقات مهندسی ژنتیک و تکنولوژی زیستی.



کالانان، ل. (۱۳۸۷) «معنای مهارت در کلاس میان‌رشته‌ای»، مجموعه مقالات مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای، ترجمه: سید محسن علوی‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

کریمی، ز. (۱۳۸۳) «ارزش کاربردی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد اقتصاد»، مجموعه مقاله‌های دومین همایش آموزش و پژوهش علم اقتصاد در ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.

مصباحی‌مقدم، غ. و میسمی، ح. (۱۳۸۸) «امکان‌سنجی توسعه نظام آموزش اقتصاد اسلامی در دانشگاه‌های کشور: راهکاری در جهت تولید علم در اقتصاد»، نشریه علمی-ترویجی مدیریت در دانشگاه اسلامی، ش. ۱.

ملکی، ح. (۱۳۸۱) برنامه‌ریزی درسی: راهنمای عمل، تهران: نشر پیام اندیشه، چاپ چهارم.

میسمی، ح. (۱۳۸۸) فقر، نابرابری و مؤلفه‌های توسعه انسانی از دیدگاه اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.

میسمی، ح. و عیوضلو، ح. (۱۳۸۸) «بررسی ضرورت و نحوه به‌کارگیری رویکرد تلفیقی در اصلاح نظام آموزش علوم انسانی؛ با تأکید بر اقتصاد اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، ش. ۶۱.

هاشمیان، ف. (۱۳۸۲) «طراحی برنامه درسی با رویکرد تلفیقی»، مجموعه مقالات رویکرد تلفیقی به برنامه درسی، حسن ملکی، تهران: انتشارات اولیاء و مریان.

Abbott, D. (2006), "Development and presentation of the interdisciplinary course", Chicago, American Society for Engineering Education.

Aboeleaa, S,W, Larson, E, Baken , S, Carrasquilo , O, Formicola, A, Glider s.a et.al. (2007), "Defining interdisciplinary Research: Conclusion from a Critical review of the literature", Health research & educational trust.

Augsburg, T. (2005), "Becoming Interdisciplinary: An Introduction to Interdisciplinary studies", Kendall, Hunt Publishing company.

Ault, David, Gilbert Rutman, (1978), "The Role of Economics in Interdisciplinary and Problem-Oriented Programs", *The Journal of Economic Education*, Vol. 9, No. 2 pp. 96-101.

Carayol ,Nicolas. Thi , Thuc. (2004), "Why do academic scientists engage in interdisciplinary research?", Department of Economics, University Louis Pasteur, Strasbourg.

Davidson, M.(2004), "Bones of Contention : Using Self and Story in the Quest to Professional Higher Educatuin", *An Interdisciplinary Approach*. Teaching in Higher Education, 9 (3), 299-310.

Davies, M. (2007), "Interdisciplinary in higher education; Implications for teaching and learning", Australia: The university of Melbourne.

Dorman, Peter, (2005), "Doctrine-centered versus problem-centered economics", from *the European Association for Evolutionary Political Economy's Newsletter*.

Drakopoulos, Stavros, (1994), "Economic Method and the Scientific Philosophy of Contemporary Physics", *Journal of Interdisciplinary Economics*, Vol.5, No 1.



- Feiner S. and B. Roberts, (1995), "Using an Alternative Paradigm to Teach Race, Gender and Critical Thinking", *The American Economic Review*,
- Feiner S. and R. Bartlett, (1992), "Balancing the Economics Curriculum: Method, Content and Pedagogy", *The American Economic Review*, issue no. 12.
- Feiner, Susan, (2002), "Toward a Post-Autistic Economics Education", *post-autistic economics review*, issue no. 12, March 15, article 2.
- Fogarty, R. (1991), "*The mindful school: how to integrate the curricula*", Palatine: Skylight Publication.
- Gibbons, M., et al., (1994), "The New Production of Knowledge", Sage, London.
- Haynes, C. (2002), "*innovation in interdisciplinary teachings*", Westport: Greenwood Press.
- Haythornthwaite, Caroline. (2006), "Learning and knowledge networks in interdisciplinary collaborations", *Journal of the American society for information science and technology*, 57(8)1079-1092.
- Huy. Q., and Mintzberg, H., (2003), "The Rhythm of Change", *Sloan Management Review*, 44 (4):79-84.
- Klein, J.T., (1996), "*Interdisciplinary Needs: The Current Context*", *Library Trends*, 45: 134-154.
- Klein, J.T., (2002), "*Interdisciplinary Education in K-12 and college*", New York, The College Board.
- Kockelmans, Joseph J, (1998), "*Why Interdisciplinarity?*", William H. Newell, ed. *Interdisciplinarity: Essays from the Literature*. New York: College Entrance Examinations Board, 67-96.
- Max-Neef, M.A (2005), "*Commentary: Foundations of Transdisciplinarity*". *Ecological Economics*, 53, 5-16.
- Mc Neill, Desmond. (1999), "On interdisciplinary research: with particular reference to the field of environment and development", *Higher Education Quarterly*, Vo53, No4, Pp 312-332.
- Morillo, Fernanda. Bordons, Maria. Gomez, Isabel. (2003), "Interdisciplinarity in science: a tentative typology of disciplines and research areas", *Journal of the American society for information science and technology*, 54(13)1237-1249.
- Nazim, Ali, (2004), "*A Roadmap for Making Islamic Finance Sources More Accessible: The Role of Secondary Services in the Dissemination of Research*", Harvard University Press, U.S.A.
- Negre, A. (2004), "*A transdisciplinary approach to science and astrology*", Accessed at [http:// cura.free.fr/quinq/01negre2. Html](http://cura.free.fr/quinq/01negre2.html).
- Nicolescu, B. (1996), "*Transdisciplinarity*", USA, Lexington, Watersign Press.
- Palmer, Carole. (1999), "Structures and Strategies of interdisciplinary science", *Journal of the American society for information science and technology*, 50(3)242-253.
- Qin, Jian. F.W.Lanaster. Allen, Bryce (1997), "*Types and levels of collaboration in*



interdisciplinary research in the science", School of library and information science, University of Southern Mississippi.

- Raveaud, Gilles, (2001), "Teaching Economics Through Controversies", *post-autistic economics newsletter*: issue no. 5, March, article 6.
- Smith, Alvin H. F. (2001), "Interdisciplinary Curriculum as Complementary Practice: A Philosophical Perspective." *Campbell Monograph Series on Education and Human Sciences* 2. p.33-42.
- Weber, Pauline. (1978), "Economics in Interdisciplinary Courses", *The Journal of Economic Education*, Vol. 10, No. 1, pp. 55-56
- Wineburg, Sam, Pam Grossman, eds. (2000), "*Interdisciplinary Curriculum: Challenges to Implementation*". New York: Teachers College Press.
- Ziman, J. H., (1997), "*Disciplinary and Interdisciplinary in Research*", Euro Pean Commission, Cambridge, 24-26.
- Marginson, S. (2007), "*Personal communication in Australia*", *the University of Melbourne*. center for the Study of Higher Education.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۵۸

دوره دوم
شماره ۳
تابستان ۱۳۸۹